

موسیقی امان ایرانی در دوره اسلام

۴

نقود ایران در موسیقی عرب

دکتر مهدی فروغ

رئیس اداره هنرهای دراماتیک

حاکم مدینه شد و حکم کرد هر کس خواننده و نوازنده‌ای را بدست مأموران او بدهد جایزه بزرگ خواهد گرفت. بدست مروان خواننده‌ای را بنام النقاشی بجرم اشتغال بکار موسیقی اعدام کردند. طویس از ترس به شهر سویدا واقع در جاده بین مدینه و دمشق رفت و در آنجا پنهان شد و تا پایان عمر در این شهر در گمنامی بسر برد.

همانطور که قبلاً هم اشاره کرده‌ایم امرای عرب عموماً اشتغال بشغل موسیقی را دون مقام خود میدانستند. از این جهت این طبقه عموماً از بین اسیران جنگی و غلامان که اغلب ایرانی بودند برمی‌خاستند و موالی نامیده میشدند. البته خلفا و حکمرانان عرب عموماً از تشویق و تجلیل موسیقیدانها کوتاهی نداشتند ولی خود ایشان بندرت بدین کار تن در می‌دادند زیرا خود را قوم برگزیده الهی بشمار می‌آوردند.

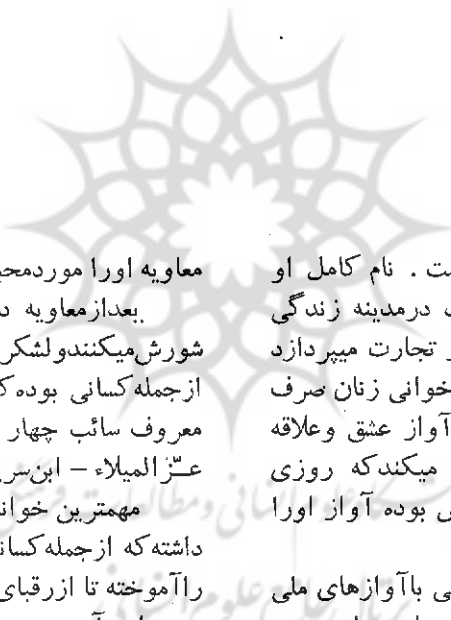
یکی دیگر از خوانندگان و نوازندگان معروف این زمان در عربستان «سائب خاثر» نام داشته که پسر یکی از اسیران ایرانی بوده و در آوازه‌هایی که تصنیف می‌کرده گوشه‌های موسیقی ایرانی را بکار می‌برده است. سائب آواز خود را با قضیب (که چوب بلند و نسبتاً قطوری بوده و برای حفظ وزن در آواز بزمین می‌کوبیدند) همراهی می‌کرده ولی بعداً که نواختن عود را آموخته برای این منظور از ساز مزبور استفاده می‌کرده است و گویند در اسلام وی نخستین کسی بوده که برای همراهی با آواز خود عود بکار برده است.

عود قبل از این تاریخ سازی بوده که فقط بتنهایی آنرا مینواخته‌اند و شاید هم بتوان گفت که در اوائل ظهور اسلام از رواج افتاده و سائب آنرا باین کیفیت دوباره رواج داده است. تاریخ تولد سائب یقین معلوم نیست ولی میدانیم که

گویند طویس (طاووس کوچک) نخستین کسی بوده که کلمات عربی را به‌مراهی دف در آوازه‌های خارجی می‌خوانده است و ظاهراً این نخستین مردی بوده است در عالم اسلام که باین شغل تن در داده. از این بیان چنین استنباط میشود که تا پیش از طویس، خوانندگان، آواز خود را بزبان خارجی می‌خوانده‌اند. در تاریخ موسیقی ابتکارات زیادی به طویس نسبت داده شده که یکی اختراع «غناء الرقیق» در مقابل «غناء المتقن» و دیگر اختراع و بکار بردن ایقاع است.

نام کامل طویس، ابو عبد المنعم عیسی بن عبد الله الذائب (۸۸ - ۱۰ هجری شمسی) و از موالیان و بندگان آزاد شده طایفه «بنو مخزوم» و ساکن مدینه بوده است. طویس در خاندان مادر عثمان بن عفان تربیت یافت و در ایام کودکی تحت تأثیر الحانی که اسیران ایرانی می‌خواندند قرار گرفت. این اسیران در مدینه بکارهای سخت و سنگین اشتغال داشتند و طویس راه و رسم آوازه‌های ایرانی را از ایشان فرا گرفت و در سالهای آخر خلافت عثمان شهرت طویس زیاد شد و مورخان عرب برای او و ابتکاراتش در پی‌ریزی اساس موسیقی عرب اهمیت زیاد قائل هستند. شادگردی داشت بنام «ابن سربج» که استاد خود را خوش‌لحن‌ترین و تواناترین خوانندگان عصر خود معرفی کرده است.

طویس دف خود را در کیسه‌ای همیشه همراه داشت و در موقع حاجت از آن استفاده می‌کرد. با وجود اینکه بخاطر شغلش مردم بچشم پستی باو مینگریستند ولی بزرگان دولت و اعیان مملکت برای او شأن و احترامی قائل بودند. وقتی معاویه بخلافت رسید مروان بن الحکم که سخت مخالف موسیقی بود



در سال ۶۱ هجری شمسی از جهان رفته است. نام کامل او ابو جعفر سائب یسار بوده و در خاندان لیث در مدینه زندگی میکرده است. پس از اینکه آزاد میشود بکار تجارت میپردازد ولی ساعات بیکاری خود را در مجالس نوحه خوانی زنان صرف میکرده است و بتدریج بموسیقی و خواندن آواز عشق و علاقه پیدا میکند. بقدری در موسیقی پیشرفت میکند که روزی عبدالله بن جعفر که یکی از بزرگان قبیله قریش بوده آواز او را میشنود و او را بخدمت خویش میخواند.

موقعی که نشیط خواننده معروف ایرانی با آوازهای ملی خود بشهرت فراوان میرسد و مورد توجه و عنایت عامه مردم واقع میشود سائب نیز برای رقابت با او اشعار عربی را در آن الحان میخوانده است.

گویند از وزنهای معروف موسیقی وزنی که به «ثقیل» معروف است از ابتکارات اوست و نقل کرده اند که نخستین تصنیف او آوازی بوده که به اعتبار ظرافت و ابتکارات دقیقی که در آن بکار برده بوده اولین لحن هنری عرب محسوب گردیده است. وقتی عبدالله بن جعفر بملاقات معاویه بدمشق میرود سائب را به همراه خود میبرد و چون از نواختن موسیقی بسختی جلو گیری میشده عبدالله، سائب را بعنوان شاعری که تصنیفات خود را بلحن خوش میخواند معرفی میکند در صورتیکه سائب اصلاً شاعر نبوده است. ولی بمحض اینکه سائب قطعه ای میخواند

معاویه او را مورد محبت قرار میدهد و هدایایی باو اعطا میکند. بعد از معاویه در زمان خلافت یزید اول مردم مدینه شورش میکنند و لشکری برای سرکوبی ایشان اعزام میشود و سائب از جمله کسانی بوده که در این جنگ کشته میشود. از شاگردان معروف سائب چهار نفر را میتوان نام برد که عبارتند از:

عزالمیلاء - ابن سربیح - جمیله و معبد.
مهمترین خواننده ایرانی مقیم عربستان نشیط الفارسی نام داشته که از جمله کسانی است که نزد سائب رموز موسیقی عرب را آموخته تا از رقبای خود عقب نماند و بتواند تقاضاهای ارباب خود را بر آورد. نشیط هم یکی دیگر از اسیران ایرانی بوده که در خدمت عبدالله بن جعفر بدمشق رسیده و پس از مدتی آزاد شده است. نشیط با آوازهای ایرانی که میخوانده شور و ولوله فوق العاده ای در مدینه بپا میکرده و باین جهت آوازخوانهای عرب برای اینکه از او عقب نمانند آوازهای او را تقلید میکردند. «عزالمیلاء» و «معبد» که هر دو از معاریف خوانندگان این عصر هستند از شاگردان نشیط بوده اند.

در صد ساله اول حکومت اسلامی خوانندگان و نوازندگان معروف همه یا اسیران آزاد شده ایرانی بوده اند مثل نشیط - الفارسی و یا از اولاد اسیران ایرانی بوده و در عربستان بدین آمده اند و یا از کشورهای بیگانه اند که تحت نفوذ فراوان تمدن و فرهنگ ایران قرار داشته اند مثل منطقه الحیران که سابقاً



شروع کرده باشد. بهر حال در زمان خلافت عبدالملک وقتی خالد بن عبدالله حاکم عراق میشود از موسیقی جلوگیری بعمل میآورد ولی حنین بسبب شهرتی که داشته مجاز میشود کار خوانندگی و نوازندگی خود را ادامه دهد بشرط اینکه عمل خلاف قاعدهای در محضر او واقع نشود و اشخاص ناباب حضور نداشته باشند.

ولی پس از اینکه بشرین مروان برادر خلیفه حاکم عراق میشود این ممانعت تخفیف مییابد و حنین بدربار کوفه دعوت میشود و در آنجا بقیه عمر را در حمایت بشر بسر میبرد.

در سال ۹۶ هجری شمس همکاران معروفش در حجاز بملاقات او شایق میشوند و او را بمکه دعوت میکنند و عدهای از موسیقیدانها و شاعران و هنردوستان معروف آن شهر او را باتشریفات و احترام خاصی پذیرا میشوند.

حنین از نظر اهمیت مقام هنری یکی از چهار موسیقیدان معروف دوران اول اسلام شناخته شده است.

یکی دیگر از موسیقیدانهای منطقه عراق احمد النصبی است که وی نیز کار خود را از زمان خلفای راشدین شروع کرده و در سال ۸۰ هجری شمس وفات یافته است. احمد در خواندن آواز «نصب» و نواختن تنبور تسلط و مهارت تام داشته و ظاهراً نخستین کسی است که در نواختن تنبور شهرت یافته است و از ندما و مصاحبان عبدالله بن زیاد حاکم کوفه بوده است.

بدان اشاره کرده ایم. در بین ایشان نه تنها از نژاد عرب بلکه از نژادهای دیگر یعنی رومی و یونانی و ترک نیز بندرت کسی را میتوان یافت.

یکی دیگر از جمله خوانندگان معروف که از مردم کشور تحت الحمايه الحیره بوده «حنین» نام داشته است. نام کامل این شخص ابوکعب حنین بلوع الحیری است و وفات او را در حدود سالهای ۹۶ هجری شمس ذکر کرده اند. این شخص ظاهراً مسیحی باقی مانده و همین امر دلیل بر اینست که با وجود اینکه از نژاد عرب بوده بکار موسیقی که نزد مسلمانان حرام بوده پرداخته است. در او آن جوانی بشغل گل فروشی اشتغال داشته و برای فروختن گل مجبور بوده بخانه اعیان و بزرگان رفت و آمد کند و در نتیجه این رفت و آمدها شیفتگی خاصی به دختران خواننده که در خانه اعیان بوده اند پیدا میکند و بالاخره يك روز مصمم میشود خود در این زمره داخل شود. فوری بتعلیم و تحصیل موسیقی میپردازد و در خواندن آواز و در نواختن بربط مهارت تام مییابد و در تصنیف موسیقی نیز بسیار توانا میشود. در این ایام سه نوع آواز در بین اعراب معمول بوده است یکی «نصب» و دوم «هنج» (که احتمالاً از ابتکارات طویس بوده) و یکی هم «سناد» که از ابتکارات همین «حنین الحیری» در منطقه عراق بوده است.

محتمل است که حنین شغل خوانندگی را از زمان عثمان



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی